

بررسی رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی (مثبت و منفی) در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه حسینی‌غفاری*

دکتر بهرام‌علی قنبری هاشم‌آبادی**

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری (قاطع، مستبد و سهل‌گیر) بر کمال‌گرایی (مثبت و منفی) دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفت.

روش: جامعه آماری این پژوهش را تمام دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ تشکیل دادند. حجم کل نمونه ۱۲۰ نفر بود که براساس نمونه‌گیری غیرتصادفی از ۹۵ نفر زن و ۲۵ نفر مرد تشکیل شده بود. پرسشنامه‌های مورد استفاده در این مطالعه عبارتند از: ۱- کمال‌گرایی مثبت و منفی (تری - شورت و دیگران، ۱۹۹۵). این پرسشنامه دارای ۴۰ ماده می‌باشد که ۲۰ مورد آن مربوط به کمال‌گرایی مثبت و ۲۰ مورد آن مربوط به کمال‌گرایی منفی می‌باشد. ۲- پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۹۳). این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال می‌باشد که هر یک از سبک‌های فرزندپروری آسان‌گیر، مستبد و مقتدر دارای ۱۰ سوال می‌باشد. داده‌های این مطالعه با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدر توانست کمال‌گرایی مثبت را در فرزندان آنها پیش‌بینی نماید و سبک فرزندپروری مستبد با کمال‌گرایی منفی در فرزندان رابطه داشت. همچنین سبک فرزندپروری سهل‌گیر با هیچ یک از انواع کمال‌گرایی مثبت یا منفی رابطه‌ای نداشت.

بحث: تحلیل یافته‌ها نشان داد که سبک فرزندپروری والدین می‌تواند بر نوع کمال‌گرایی فرزندان تاثیر بگذارد به طوری که فرزندان که از والدینی با سبک فرزندپروری مقتدر برخوردارند دارای کمال‌گرایی مثبت می‌باشد یعنی اینکه این افراد اهدافی واقع‌بینانه و در سطح توانایی خود برمی‌گزینند و در عوض فرزندان که والدی با سبک فرزندپروری مستبد می‌باشند جزو افرادی با کمال‌گرایی منفی طبقه‌بندی می‌شوند و کسانی هستند که اهداف بسیار فراتر از سطح توانایی خود انتخاب می‌کنند. این درحالی است که سبک فرزندپروری سهل‌انگار هیچ ارتباطی با کمال‌گرایی مثبت و منفی نداشت و آن را پیش‌بینی نکرد.

* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

** عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



پژوهشکده خانواده
قطب علمی خانواده

سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده

۲۶-۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷

چکیده مقالات

